

فرانسویان در ایران

رابطه‌شناسی تشکیلات و توسعه‌ی
نهادهای سیاسی مدرن در ایران
قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم

www.ketab.ir

ممدوحی، رضا، ۱۳۵۷ -	سرشناسه:
فرانسویان در ایران: ریشه شناسی تشکیل و توسعه‌ی نهادهای	عنوان و نام پدیدآور:
سیاسی مدرن در ایران قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم	مشخصات نشر:
تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، ۱۳۹۴.	مشخصات ظاهری:
۱۶۸ ص.	شایک:
۸-۹۰۱-۲۳۸-۹۶۴-۹۷۸	وضعیت فهرست نویسی:
فیبای مختصر	دداشت:
فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است	شناسه افزوده:
موسسه نشر شهر	شماره کتابشناسی ملی:
۳۸۶۸۱۲۳	



نشرشهر

فرانسویان در ایران

ریشه‌شناسی تشکیل و توسعه‌ی
نظریات سیاسی مدرن در ایران
از نیمه‌ی دوم قرن بیستم

نویسنده: رضا ممدوحی

طراح گرافیک: سعید غفوری

طراح جلد: علی رضا خاکی

شابک: ۹۰۱-۸-۲۳۸-۹۶۴-۹۶۸

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲,۰۰۰ تومان

آماده سازی و چاپ: مؤسسه نشرشهر

آدرس ناشر: تهران، میدان آرژانتین، ابتدای بلوار
افریقا، رو به روی پارک سوار بیهقی، پلاک ۶
مرکز چاپ: ۸۸۴۲۱۹۰۶ - ۸۸۴۰۹۱۱۲
همه حقوق محفوظ است.

فهرست

تألیف: ۹ /

بخش اول: نخبگان / ۱۷

بخش دوم: شکایات فراماسونری / ۳۹

بخش سوم: نهضت مشروطیت، تشکیل و جلسه و قانون اساسی / ۶۵

بخش چهارم: مدارس و مؤسسات آموزشی / ۸۵

بخش پنجم: ارتش، تجهیزات و آموزش نظامی / ۱۱۱

بخش ششم: مطالعه‌ای مقایسه‌ای / ۱۳۵

تصحیح: ۱۵۵ /

مطبع: ۱۵۹ /

مقدمه



آنچه به نظر می‌رسد مورد اجماع بسیاری از نظر به‌پردازان مسائل جهان سوم و کشورهای توسعه‌یافته باشد، این است که روند شکل‌گیری و توسعه‌ی نهادهای سیاسی در این جوامع است. شاید یکی از دلایل اصلی این مسئله، آن بوده باشد که تحول بزرگ رنسانس و صنعتی شدن در قاره‌ی اروپا اتفاق افتاده است و جوامع جهان سوم در مواجهه با بسیاری از پیامدهای متعادل‌کننده عصر جدید، از جمله در توسعه‌ی نهادهای سیاسی دچار نوعی تأخیر شده‌اند. فارغ از مباحثی نظیر این که «آیا کشورهای جهان سوم راه دیگری جز بازگشت به راه غربی‌ها داشتند؟» و «آیا راه درست توسعه و نوسازی بکه و منحصر به الگوی غربی است؟» که کشورهای توسعه‌یافته ارائه داده‌اند؟» به نظر می‌رسد آنچه در عمل اتفاق افتاده است، ورود بسیاری از پدیده‌های مربوط به توسعه و از جمله توسعه‌ی نهادهای سیاسی از غرب به جهان سوم است.

توسعه‌ی نهادهای سیاسی به عنوان یکی از پایه‌های بنیادین فرایند نوسازی،

جایگاه ویژه‌ای در میان مباحث سیاسی دارد. محققان و صاحب‌نظران سیاسی فرآیند توسعه‌ی نهادهای سیاسی را از زوایای مختلفی مورد مطالعه قرار داده‌اند، مباحثی همچون چستی توسعه‌ی نهادهای سیاسی، چگونگی نهادینه شدن توسعه‌ی سیاسی، علل نهادینگی یا ناکارآمدی نهادهای سیاسی، و چگونگی شکل‌گیری این نهادها و عوامل مؤثر بر رشد و توسعه‌ی آن‌ها از مهم‌ترین مباحث مطروحه در ادبیات سیاسی پیرامون این موضوع هستند.

اگرچه در کتاب توسعه‌ی سیاسی دولت‌های جدید حضور نهادهای سیاسی متنوع و مستقل را در بنای یک نظام سیاسی نوگرا و غایت تمام نظام‌های سیاسی در حال توسعه می‌دانند، مفهوم نهادهای توسعه‌یافته را در سه حوزه‌ی حکومتی، ساختاری و اقتصادی، یک قدرت اجرایی که کارگزاران آن در فواصل معین از طریق انتخابات تعیین می‌شوند، یک قدرت مقننه در قالب پارلمانی که اعضای آن از طریق رأی همگان در حالت رقابت آزاد بین احزاب سیاسی انتخاب شده باشند و یک قدرت قضایی مستقل مبتنی بر اصل «مجازات»^۱

هانشینگتون نیز در کتاب سامان سیاسی، در مورد دستخوش دگرگونی دربارهی چگونگی نهادینه شدن نهادهای سیاسی مطالبات جالبی عرضه می‌کند. از نظر وی نهادهای سیاسی از لحاظ تاریخی در رهگذر کنش متقابل، عدم توافق نیروهای اجتماعی و تحول تدریجی روش‌ها و تدابیر سازمانی برای حل این عدم توافق‌ها، پدید آمدند. فروپاشیدگی یک طبقه‌ی حاکم کوچک و هم‌پای، تعدد نیروهای اجتماعی و افزایش کنش متقابل میان این نیروها، پیش‌شرط‌های لازم برای پیدایش سازمان و روش‌های سیاسی و در نهایت ایجاد نهادهای سیاسی به شمار می‌آیند. به نوشته‌ی وی «چنین می‌نماید که قانون‌گذاری آگاهانه زمانی وارد جهان می‌شود که سازمان کلان سست شده و کشمکش دارا و تدار عامل

۱. Edward, Political Development in the New states, Mouton, The Hague, 1960, p.p. 48-90

مهمی در سیاست شده بود».

هانتینگتون همچنین می‌افزاید آتنی‌ها زمانی به سولون قانون‌گذار روی آورده بودند که جامعه‌ی سیاسی‌شان را خطر فروپاشیدگی تهدید کرده بود، زیرا «به اندازه‌ی تقسیمات منطقه‌ای آتن، احزاب گوناگون پدید آمده بودند و اختلاف درآمد میان آنها را به آزار و اذیت خود رسانیده بود». هر چه جامعه‌ی آتن پیچیده‌تر می‌شد، نهادی سیاسی کامل‌تری برای نگهداشت اجتماع سیاسی آتن ضرورت پیدا می‌کرد. احزاب و نهادهای سولون و کلیستنیس، واکنش‌هایی بودند در برابر دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی که مبنای اجتماع آتن را تهدید می‌کرد. از نظر وی هر چه نیروهای اجتماع متنوع‌تر می‌شوند، نهادهای سیاسی نیز باید پیچیده‌تر و مقتدرتر شوند. درست‌همین‌طور است که در بسیاری از کشورهای رو به رشد سده‌ی بیستم تحقق نیافته است. در این کشورها نیروهای اجتماعی نیرومند ولی نهادهای سیاسی سست‌اند، در واقع قوای سست و اثربخش مراجع عمومی و احزاب سیاسی همچنان شکننده و بی‌سازمان بر جای مانده‌اند و رشد دولت از تکامل جامعه‌ی واپس مانده است.^۱

بدین ترتیب هانتینگتون توسعه‌ی سیاسی را فرآیندی طبیعی قلمداد می‌کند که عمدتاً ناشی از تکامل تدریجی توسعه به مفهوم کلی است.

ماکس وبر در کتاب اقتصاد و جامعه نهادینگی سیاسی را به مثابه یکی از شاخصه‌های جامعه‌ی عقلانی در چارچوب مفهوم بوروکراسی بررسی می‌کند. براد وی از بوروکراسی حضور نهادهای گسترده و پیچیده‌ای است که ویژگی عمده‌ی عقلانیت جامعه‌ی توسعه یافته به شمار می‌رود. وبر هر چند شکل‌گیری جامعه‌ی عقلانی و به تبع آن بوروکراسی را فرآیندی اجتناب‌ناپذیر می‌داند، باین وجود بخش

۱. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر علم، تهران، ۱۳۷۰، صص ۲۰-۱۸.

عمده‌ای از نوشته‌هایش علیه نقایص و ضعف‌های بوروکراسی اقامه شده است. وی توسعه‌ی نهادهای سیاسی را به شکل گسترده و پیچیده مانع از حضور دموکراسی در جامعه می‌داند و در پی آن است تا با ابزارهای مناسب پیچیدگی آن‌ها را تعدیل کند.^۱ امیل دورکیم پیرامون چگونگی شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر روند رشد و توسعه‌ی نهادهای سیاسی مباحث نظری جامعی را عرضه کرده است. وی توسعه‌ی نهادهای سیاسی را از شاخص‌های جامعه‌ی مکانیک قلمداد می‌کند. به نوشته‌ی او کار ویژه جامعه‌ی ایران ایجاد انسجام و پیوستگی اجتماعی است که در گذار از جامعه‌ی آرگانیک جایگزین می‌گردد. عادات و آداب و رسوم سنتی می‌شوند. دورکیم در کتاب توتم از حضور آداب و رسوم سنتی در قالب توتم‌ها صحبت می‌کند که در جامعه‌ی سنتی قوام‌بخش نظم اجتماعی هستند. در جامعه‌ی مدرن نهادهای متنوع سیاسی و حقوقی جایگزین مناسبی برای این توتم‌ها هستند. روی هم رفته این صاحب‌نظران بررسی و ارزیابی جامعه‌ی غرب را مورد توجه قرار داده‌اند و مبانی نظری و فکری اندیشه‌ی آن‌ها نیز در تبیین چگونگی رشد و تکامل جامعه‌ی غرب جهت‌گیری شده است. از نظر آن‌ها توسعه‌ی نهادهای سیاسی اساسی‌ترین شاخص فرآیند نوسازی است که جامعه‌ی غرب از آغاز سده‌ی هیجدهم به یک پروسه‌ی تکامل آن را طی کرد. فرآیند تکاملی این توسعه عملاً مطالعه‌ی جامعه‌ی ناختی آن را نیز نزد صاحب‌نظران تسهیل کرده است؛ چرا که تنها با مطالعه‌ی پروسه‌ی طبیعی رشد یک پدیده می‌توان علل، عوامل و پیامدهای رشد و تکامل آن را ارزیابی کرد. با وجود این، فرآیند توسعه‌ی نهادهای سیاسی در همه‌ی جوامع یکسان و یک‌رویه نبوده است؛ در جوامع جهان سوم مطالعه‌ی فرآیند توسعه‌ی مقتضیات و شرایط دیگری دارد که عمده‌تأثیری از چگونگی شکل‌گیری آن است. در این جا

۱. وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه‌ی دکتر عباس منوچهری، دکتر مهرداد تریابی‌نژاد و دکتر مصطفی غم‌زاده، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۲۱۸-۲۷۵.



توسعه و به تبع آن توسعه‌ی نهادهای سیاسی فرآیندی طبیعی نبوده و عمدتاً به صورت پدیده‌ای وارداتی بر جوامع سنتی تحمیل شده است. به طور کلی در جوامع اروپایی غرب رشد خودجوش نیروهای اجتماعی بسستر لازم را برای توسعه‌ی سیاسی و نهادهای مربوط به آن‌ها فراهم آورد و در کل شکل‌گیری فرآیند توسعه و نهادهای مربوط به آن ناشی از رشد خودجوش نیروهای اجتماعی بود. اما در جوامع جهان سوم به‌خاطرهای اجتماعی مرتبط با زندگی شهری و مناسب سرمایه‌داری، چه در دوران استعمار و چه پس از آن، بسیار ضعیف بود؛ به نحوی که گروه‌ها و طبقات اجتماعی شهری نمی‌توانستند مبنای استحکام توسعه‌ی سیاسی را فراهم کنند. بورژوازی ضعیف این جوامع نتوانست به پیوند طبقاتی و تشکیل محکمی دست پیدا کند و به تبع آن نیروی توانمند رهبری جامعه را به دست گیرد و با پیوند منافع خود با منافع ملی زمینه‌های یک دموکراسی لیبرال را در این کشورها فراهم کند. پیامد این امر حضور نهادهای وارداتی توسعه‌ی سیاسی بود.^۱

در این زمینه سمیر امین، اقتصاددان و نظریه‌پرداز مسائل جهان سوم، در کتاب توسعه‌ی نامطلوب علت اصلی شکست فرآیند توسعه‌ی نهادهای آن را در جهان سوم به عوامل خارجی نسبت می‌دهد؛ به نوشته‌ی وی این نهادها از گونه‌ای در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی ایجاد شده در جوامع موسوم به جهان سوم پدید می‌آید است. در واقع آنچه به عنوان توسعه‌ی نهادهای سیاسی در این جوامع شکل گرفته است توانایی‌های لازم برای انجام اهداف و کاروبندهای خاص است.^۲

در همین رابطه نیز حمزه علوی، صاحب‌نظر پاکستانی الاصل مسائل جهان سوم، معتقد است توسعه‌ی نهادهای سیاسی در کشورهای جهان سوم میراث دوران استعمار است؛ زیرا استعمارگران در دوران حضور خود در جوامع مزبور، به ایجاد

۱. ساعی، احمد، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۷، ص ۲۶۲.

۲. همان، ص ۲۰۵.



و گسترش برخی دستگاه‌های دولتی نظیر ارتش و بوروکراسی دست زدند تا از آن طریق بتوانند هم‌ه‌ی گروه‌ها و طبقات مستعمرات را کنترل کنند.^۱

و اما ایران قرن نوزدهم به عنوان کشوری عقب‌افتاده و جهان‌سومی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به نظر می‌رسد بیشتر صاحب‌نظران، پیرامون وارداتی بودن تشکیل و توسعه‌ی نهادهای سیاسی در این کشور اتفاق نظر دارند. با امان نظر به مسئله مطرح شده‌ی بالا، طبعاً این سؤال‌ها نیز مطرح می‌شود که ریشه‌های تاریخی این پدیده به طور خاص به چه کشورهایی باز می‌گردد؟ آیا کشورهای غربی در انبساط ابعاد و شاخ‌های مختلف توسعه‌ی سیاسی ایران آن زمان یکسان عمل کردند و نقش‌پذیری داشتند؟ کدام کشور نقش چشمگیرتری در این زمینه داشته است؟ آیا می‌توان برای هر یک از کشورهای تأثیرگذار بر این امر نقش خاصی را در حوزه‌ی خاص مشخص کرد؟

این سؤال‌ها به صورت جامع مورد کنکاش تحقیقاتی قرار نگرفته‌اند و یقیناً در حوزه‌ی مطالعات سیاسی و بین‌المللی نیاز مبرمی به این امر وجود دارد. در این مطالعه، نگارنده بخش کوچکی از این حوزه‌ی تحقیقاتی را با توجه به علاقه‌ی خود، انتخاب کرده است.

در این اثر مادر بی‌پاسخگویی به این سؤال اصلی است که «توسعه‌ی نهادهای سیاسی ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در فاصله‌ی زمانی پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار تا اوایل دوران حکومت رضاشاه پهلوی، تا چه میزان از نقش مستقیم و غیرمستقیم فرانسویان متأثر بوده است؟»

فرضیه‌ی اصلی این مطالعه نیز اذعان می‌دارد که فرانسویان در فرآیند تشکیل و توسعه‌ی نهادهای سیاسی ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در مقایسه با سایر دولت‌های سیستم‌ساز نظام بین‌الملل، نقش برجسته‌ای داشته‌اند.

در این اثر، برای بررسی تشکیل و توسعه‌ی نهادهای سیاسی در ایران در حوزه‌ی نهادهای غیردولتی، شاخصه‌هایی همچون نخبگان ایرانی و فرانسوی و همچنین تشکیلات فراماسونری انتخاب شده‌اند که بررسی می‌شوند. در حوزه‌ی نهادهای دولتی نیز شاخصه‌هایی همچون نهضت مشروطیت و تشکیل مجلس، مدارس و مؤسسات آموزش، نوین، ارتش و آموزش نظامی نوین مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این جا، بحث گفته‌شود تأثیر فرانسویان بر توسعه و تشکیل نهادهای سیاسی در ایران موضوعی است که در بین آن که مورد تأیید بخش قابل توجهی از علما و استادان حوزه‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است، به‌طور مستقیم موضوع کتاب یا اثر تحقیقی مستقلی نباشد. در میان آثار منتشر شده‌ای که ارتباط بیشتری با اثر حاضر دارد می‌توان به آثار زیر اشاره کرد؛

کتاب تاریخ مؤسسات تمدنی جدید، از این کتاب، که مشتمل بر سه مجلد است، نویسنده، حسین محبوبی اردکانی، سبک نگاری و رسالت تمدنی جدید از قبیل مدارس، ارتش، راه‌آهن، پست و... و دست‌اندکاران تشکیل و توسعه‌ی این مؤسسات را که عمدتاً نیروهای خارجی یا تحصیل‌کرگان ایرانی در خارج از کشور بوده‌اند، بررسی کرده است.

مقطع مورد بررسی نویسنده از دوران صفویه تا دوره‌ی رساشاه معلوم است. این کتاب با وجود این که منبعی معتبر شناخته می‌شود، به‌طور خاص به اساس و رسالت تمدنی جدید در حوزه‌ی نهادهای سیاسی نپرداخته است.

کتاب تاریخ روابط ایران و فرانسه؛ در این اثر نویسنده، ابوالحسن غفاری، روابط ایران و فرانسه را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، نظامی، سیاسی و اقتصادی مورد بحث قرار داده است. مؤلف در اثر مذکور روابط ایران و فرانسه را فارغ از نقش و تأثیرگذاری این روابط در توسعه‌ی نهادهای سیاسی در ایران بررسی کرده است. کتاب نگاهی به روابط فرهنگی ایران و فرانسه؛ نوشته‌ی رضا آذری شهرضایی. در

این اثر روابط فرهنگی ایران و فرانسه و نقش فرانسویان در تشکیل آموزش و مدارس نوین در ایران بررسی شده است.

کتاب مأموریت ژنرال گاردان در ایران^۱؛ نویسنده‌ی این کتاب آلفرد گاردان است. در این کتاب اگرچه صرفاً درباره‌ی مأموریت ژنرال گاردان و اقدامات او در ایران سخن به میان می‌آید، از آن جا که مأموریت گاردان در ایران سرآغاز ارتباط جدی بین دو کشور و تأثیر فرانسویان بر صحنه‌ی سیاست و فرهنگ ایران است، اثر مهمی در قلم استنادهای است. همچنین می‌توان به کتاب کارنامه‌ی فرهنگی فرنگی در ایران^۲ به نوشته‌ی هماناناق اشاره کرد. نویسنده در این کتاب در حوزه‌ی فرهنگ توجه خاصی به تشکیل مدارس فرانسوی در ایران داشته است.

در مجموع آثار مذکور و برخی آثار دیگر، هیچ کدام از آثار موجود به فرضیه‌ی اثر حاضر به صورت کامل یا جزئی نپرداخته‌اند و آنچه عمدتاً در این اثر انجام شده، جمع‌آوری، تحلیل و پراکنش اطلاعات و داده‌هایی است که به طور پراکنده در آثار فوق‌الذکر و منابع و اسناد دیگری یافت شده‌اند.

1- Gardane, Alfred, Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire. Librairie d'AD, Lanè, Paris, 1865